

شرح آرزومندی

از پرستش سوداگران تا پرستش آزادگان

مجموعه‌ای از آیات قرآن و سخنان معصومین

□ **یوسف ۸۷-۸۶:** [یعقوب] گفت: «من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم و از خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. ای پسران من بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید نباشید که از رحمت خدا نومید نمی‌شوند مگر کافران.»

□ **یوسف ۹۶:** پس چون مژده‌رسان آمد، آن [پیراهن یوسف] را بر چهره‌ی او [یعقوب] انداخت، پس بینا گردید. گفت: «آیا به‌شما نگفتم که بی‌شک من از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟»

□ **آل عمران، ۳۶:** چون [مادر مریم] او را بزاد گفت: «پروردگارا، این که من زاییده‌ام دختر است» و خداوند به آنچه او زاد داناتر بود و پسر چون دختر نیست... .

□ **امام علی (ع):** ایمان بنده راست نباشد جز آنگاه که اعتماد او به آنچه در دست خداست بیش از اعتماد وی بدانچه در دست خود اوست بود. (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۰)

□ **حجر ۵۶-۵۳:** [فرشتگان به ابراهیم] گفتند: «مترس که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم.» گفت: «آیا با اینکه مرا پیری فرا رسیده است بشارتم می‌دهید؟ به چه بشارت می‌دهید؟!» گفتند: «ما تو را به حق بشارت دادیم، پس از نومیدان مباش.» گفت: «چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می‌شود؟»

□ **زمر ۳۶:** آیا خدا کفایت‌کننده‌ی بنده‌اش نیست؟ و تو را از آنها که غیر اویند می‌ترسانند [...] .

□ **زمر ۵۳:** بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید، در حقیقت خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده‌ی مهربان است.

□ **امام علی(ع):** در شگفتم از آن که نومید است و آمرزش خواستن تواند!
(نهج‌البلاغه، حکمت ۸۷)

□ **پیامبر اکرم(ص):** گنهکار امیدوار به رحمت خدای متعال به رحمت نزدیک‌تر است تا عابد نومید گشته. (میزان‌الحکمه، ۱۷۱۰۹)

□ **امام علی(ع)** [از مناجات شعبانیه]: **معبودا!** اگر مرا به جرم و خطایم گیری تو را به عفو و گذشتت گیرم، و اگر مرا به گناهم گیری تو را به آمرزشت گیرم و اگر مرا به آتش اندازی به دوزخیان گویم که منم دوستدار تو. **معبودا!** اگر در برابر طاعت تو کردارم خوار و بی‌مقدار آید ولی در برابر امید [به بزرگواریت] آرزویم بسی بزرگ است ... **معبودا!** هماره مرا شیفته‌ی یادت گردان، آن سان شیفتگی‌ای که جلوه‌ی نامهایت وجودم را فرا گیرد و مرا به مقام قدس تو رساند.

□ **حدید ۱۶:** آیا کسانی را که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟

□ **امام صادق(ع)** [از دعای ایشان در روز عرفه]: **خدایا!** به تو پناه می‌برم از دنیایی که از خیر آخرت جلوگیری کند و از زندگانی‌ای که بهترین مردن را باز دارد و از آرزویی که مانع بهترین کار شود. (میزان‌الحکمه، ۶۹۰)

□ **از دعای جوشن کبیر:** ای آن که گریزگاهی نیست جز به سوی تو، ای آن که پناهگاهی نیست جز درگاه تو، ای آن که مقصدی نیست جز به سوی تو، ... ای آن که امیدی نرود جز به تو، ای آن که پرستیده نشود جز تو.

ای آن که جز به فضل تو امید نرود، ای آن که جز از گذشت تو درخواست نشود، ای آن که جز از عدل تو بیم نرود، ای آن که رحمت همه‌ی هستی را فرا گرفته، ... ای گشاینده‌ی اندوه، ای زداینده‌ی غم، ای آمرزنده‌ی گناه، ای پذیرنده‌ی توبه، ای راست‌وعده، ای وفاکننده‌ی به پیمان، ... ای آن که زیبا را آشکار کنی، ای آن که به گناه نگیری، ای آن که پرده نداری، ای نیکو درگذرنده، ای فراخ‌آمرزش، ای گشاده‌دست به مهر و رحمت، ای صاحب هر راز، ای نهایت هر شکوه و شکایت، ... ای آن که در عین برتری نزدیکی، ای آن که در عین نزدیکی برتری.

□ **پیامبر اکرم (ص):** دعا مغز [او عصاره‌ی] عبادت است. (میزان‌الحکمه، ۵۵۱۹)

□ **امام صادق (ع):** بر شما باد به دعا کردن، زیرا با هیچ چیز به مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید. دعا کردن برای هیچ امر کوچکی را به خاطر ناچیز بودنش رها نکنید، زیرا حاجت‌های کوچک نیز به دست همان کسی است که حاجت‌های بزرگ به دست اوست. (میزان‌الحکمه، ۵۵۷۱)

□ **امام علی (ع):** می‌پندارد و مدعی است که به خدا امیدوار است. به خدای بزرگ سوگند که دروغ می‌گویند، پس چرا امیدواری او در کردارش آشکار نیست؟! [...] در کارهای بزرگ [به ادعا] به خدا امید بسته است، و در کارهای کوچک به بندگان؛ اما آنچنان که حقّ بنده را ادا می‌کند، حقّ خدا را پاس نمی‌دارد. [...] نیز اگر از یکی از بندگان خدا بترسد، حقّ او را ادا کند اما حقّ پروردگار خود را چنان به جا نیارد. پس ترس خود را از بندگان خدا آماده و نقد ساخته، و ترس از

آفریدگار را به عهده‌ی وعده‌ی بی‌پرداخت و نسپه انداخته. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰)

□ **امام علی (ع)** [در وصیت به امام حسن (ع)]: بدان که آن کسی که خزاین آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه داده است تا او را بخوانی و اجابت دعای تو را ضمانت کرده است ... میان تو و خودش حجابی ننهاده و تو را به آوردن واسطه و میانجی وادار نکرده است، و اگر گناهی مرتکب شدی از توبه بازت نداشته، و در کیفر تو شتاب نکرده، و هنگام بازگشتن به سویش نکوهشت نکرده، و آنجا که سزاوار رسوایی بودی رسوایت نساخته، و در پذیرش توبهات سخت نگرفته، و حساب گناهت را رسیدگی نکرده، از رحمت نومیدت نساخته، بلکه خودداریت از گناه را برایت حسنه‌ای قرار داده است، و کار بدت را یکی و کار نیکت را ده برابر به شمار آورده است.

... پس هرگاه بخواهی می‌توانی درهای نعمتش را با دعا بگشایی و ریزش باران رحمت را طلب نمایی. پس تأخیر در اجابت دعا تو را نومید نگرداند، زیرا که عطای خداوند به اندازه‌ی نیت است، چه بسا که در برآوردن خواهشت تأخیر اندازد تا بدین وسیله خواهنده را پاداش بزرگتر و عطای آرزومند افزون‌تر گردد. بسا باشد که چیزی بخواهی و به تو داده نشود اما دیر یا زود بهتر از آن به تو داده شود، یا برای خیر و مصلحت تو از تو دریغ شده است و بسا خواسته‌ای که اگر برآورده شود موجب نابودی و تباهی دین تو گردد. پس همیشه از خداوند چیزی را طلب کن که زیبایی‌اش برایت بماند و وبالش از تو دور باشد. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

□ **پیامبر اکرم (ص)**: هرگاه یک نفر دعا کند برای همه دعا کند، زیرا این دعا به اجابت نزدیکتر است. کسی که پیش از دعا کردن برای خود برای چهل نفر از

برادرانش دعا کند آن دعا در حق آنان و در حق خودش مستجاب شود.
(میزان الحکمه، ۵۶۴۷)

□ **امام صادق(ع):** هر کس برای خدا از بیماری عیادت کند، هر دعایی که آن بیمار برای او بکند خداوند اجابت فرماید. (میزان الحکمه، ۵۶۵۹)

□ **امام صادق(ع):** فاطمه (ع) هر گاه دعا می کرد پیش از خویش نخست برای مردان و زنان مؤمن دعا می کرد. در این باره از آن حضرت سؤال شد، فرمود: «اول همسایه بعد خانه.» (میزان الحکمه، ۵۷۳۴)

□ **امام علی(ع):** دوست آنگاه دوستی واقعی است که برادر خود را در سه هنگام مراقبت کند: هنگامی که به بلا گرفتار شود، هنگامی که حاضر نباشد و هنگامی که درگذرد. (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴)

□ **امام علی(ع)** [در عهدنامه‌ای که به مالک اشتر داد، آنگاه که او را به حکومت مصر گماشت، نوشت:] قلب خود را لبریز ساز از رحمت بر مردمان و محبت ورزیدن با آنان و مهربانی کردن به همگان؛ و با آنان همچون حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری! زیرا مردمان دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو‌اند، و یا در آفرینش با تو همانندند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

□ **امام صادق(ع):** آیا دین جز محبت است؟ (میزان الحکمه، ۳۰۹۷)

□ **امام صادق(ع):** هر یک از شما که می‌خواهد دعایش مستجاب شود در آمد خود را پاک کند و حق مردم را بپردازد. دعای هیچ بنده‌ای که مال حرامی در شکمش باشد یا مظلومه کسی به گردنش باشد، به درگاه خدا بالا نمی‌رود. (میزان الحکمه، ۵۶۰۳)

□ **امام سجاده (ع):** بارخدايا! به تو پناه می‌بریم از این که ستمگری را یاری کنیم، یا ستم‌دیده‌ای را خوار بشمریم، یا قصد چیزی کنیم که ما را در آن حقی نباشد ... بارخدايا! به تو پناه می‌بریم از این که در دل خیال فریب کسی را بپروریم و از کردار خویش دستخوش خودپسندی شویم یا به آرزوهای دور و دراز مبتلا گردیم. (صحیفه سجادیه، دعای ۸)

□ **امام سجاده (ع):** خداوندا! عذر گناه به درگاه تو می‌آورم از این که در حضور من بر ستم‌دیده‌ای ستمی رفته باشد و من به یاری او برنخاسته باشم، و از این که کسی در حق من نیکی‌ای کرده و من سپاسش را به جا نیاورده باشم، و از این که خطاکاری از من عذری خواسته باشد و من عذرش را نپذیرفته باشم، ... و از این که بر عیب مؤمنی آگاه شده باشم ولی آن را نپوشانده باشم ... (صحیفه سجادیه، دعای ۳۸)

□ **امام علی (ع):** از پیامبر (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: «ملت‌ی که حق ضعیفان را از قدرتمندان با صراحت و بدون ترس و وا همه نگیرد هرگز پاک نمی‌شود و روی سعادت نمی‌بیند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

□ **امام علی (ع):** نفس خویش را گرمی شمار و از هر پستی دور بدار، هرچند تو را بدانچه خواهانی رساند، زیرا در برابر آنچه از خود بر سر این کار می‌نهی، عوضی دریافت نمی‌کنی. بنده‌ی دیگری مباش که خداوند آزادت آفریده است؛ و در آن خیر که جز به شرّ و بدی به دست نیاید و آن آسانی که جز با سختی و خواری بدان نرسند، کسی چه خیری دیده؟ (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

□ **امام علی (ع):** [در وصف تقوای پیشگان فرمود:] آفریدگار در جان آنان بزرگ بود، پس هر چه جز اوست در دیده‌هاشان کوچک و خرد نمود. بهشت برای آنان چنان

است که گویی آن را دیده‌اند و از نعمت‌های آن برخوردارند، و دوزخ برایشان چنان است که گویی آن را دیده‌اند و عذاب آن را می‌چشند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳)

□ **امام علی(ع):** با دل و جان چنان کار کنید که گویی از بیم جان کنید. من چون بهشت جایی ندیده‌ام که خواهان آن آسوده باشد یا در خواب به سر برده، و نه چیزی چون دوزخ که ترسنده‌ی از آن خفته باشد. بدانید، کسی که حق به او را سود ندهد، باطل زینش رساند، و آن که هدایت به راه مستقیمش نبرد، گمراهی به هلاکتش کشاند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۸)

□ **امام علی(ع):** دنیا سرای گذرکردن است نه خانه‌ی ماندن، و مردمان در آن دو گونه‌اند: یکی آن که خود را فروخت و خویشتن را تباه کرد، و دیگری آن که خود را خرید و آزاد ساخت. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۳)

□ **امام علی(ع):** ارزش انسان به اندازه‌ی همت اوست. (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷)

□ **امام علی(ع):** ارزش هر کس به آن است که در دیده‌اش زیباست. (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۱)

□ **امام باقر(ع):** هیچ خواسته‌ای را زیاد مشمارید، زیرا آنچه نزد خداست بیش از آن است که می‌پندارید. (میزان‌الحکمه، ۵۶۴۱)

□ **امام صادق(ع):** هرگاه بنده شتاب کند و از حاجت خواهی خود [از خدا] دست بکشد خدای تعالی فرماید: «بنده‌ام عجله کرد. گویی می‌پندارد که نیازهای او را کسی جز من برآورده می‌کند.» (میزان‌الحکمه، ۵۶۷۵)

□ **امام صادق(ع):** هرگاه دعا کنی با دل [به خدا] روی آر و چنین پندار که حاجت و خواسته‌ی تو بر در خانه است. (میزان‌الحکمه، ۵۶۵۴)

□ **امام صادق(ع):** دعا کن و مگو که کار گذشته است [و آنچه مقدر شده همان می‌شود]؛ همانا نزد خداوند عزوجل مقام و منزلتی است که جز با درخواست به دست نمی‌آید. (میزان الحکمه، ۵۵۲۹)

□ **امام سجاد(ع)** [در مناجات خویش]: مرا از آنان قرار مده که خوشی سرمستشان می‌کند و بلا و گرفتاری از پایشان در می‌آورد. اینان فقط زمانی تو را می‌خوانند که گرفتار شوند و تنها هنگامی به یاد تو می‌افتند که به مصیبتی سخت گرفتار آیند، و تنها در این هنگام در برابر تو به خاک می‌افتند و دست خواهش به سویت بر می‌دارند. (میزان الحکمه، ۵۵۶۶)

□ **امام علی(ع):** آن که به بلایی سخت دچار است چندان به دعا نیاز ندارد تا عافیتمندی که بلایش در انتظار است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۲)

□ **امام سجاد(ع):** ای خداوندی که تحقیر نمی‌کنی آنان را که دست نیاز به سوی تو دراز کنند، ای خداوندی که واپس نمی‌زنی ارمغانی را که به پیشگاہت آرند هرچند که خرد و بی‌مقدار باشد ... ای خداوندی که به خود فرا می‌خوانی آن کس را که از تو دوری گزیده است ... (صحیفه سجادیه، دعای ۴۶)

□ **از دعای ابو حمزه ثمالی:** خداوندا! به تو پناه برم از کاهلی و سستی، و اندوه و ترس و بخل، و غفلت و سنگدلی، ... و به تو پناه برم از نفسی که قانع نشود، و شکمی که سیر نگردد، و دلی که فروتن نشود، و دعایی که شنوده نشود، و کاری که سود ندهد ...

خداوندا! به راستی تو در کتابت فرموده‌ای که در گذریم از آن که بر ما ستم کرده، و اینک ما بر خود ستم کرده‌ایم، پس از ما درگذر، زیرا تو از ما بدین کار سزاوارتری.

و به ما فرمان داده‌ای که خواهندگان را از در خانه خود نرانیم، و اینک ما به درگاہت سائل آمده‌ایم ... ای پناہم به گاہ گرفتاری و اندوہم، و ای فریادرسم به گاہ سختیم، ای آنکہ بند اسیر گسلد و از گناہ کثیر گذرد ... ای مہربان‌ترین مہربانان.

□ **از دعای کمیل:** خداوند! بیامر از من گناہانی را کہ فرود آرندہی عذابند. خداوند! بیامر از من گناہانی را کہ نعمتہا را دگرگون سازند. خداوند! بیامر از من گناہانی را کہ اجابت دعا را باز دارند. خداوند! بیامر از من گناہانی را کہ بلا فرو بارند ... ای تمام‌کنندہی نعمتہا، ای رفع‌کنندہی کیفرا، ای روشنایی وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها ... با من آن کن کہ تو را سزد.

□ **امام علی(ع):** بہ زودی خواهید دانست کہ آنچه ہم‌اکنون از دنیا موجود است گویی ہرگز نبودہ است و آنچه از آخرت است ہموارہ پایندہ است. (نہج‌البلاغہ، خطبہ ۱۰۳)

□ **امام علی(ع)** [در سفارش بہ فرزندش حسن بن علی(ع)، کہ آن را ہنگام بازگشت از صفین نوشت:] [...] پس پسر، وصیت مرا نیک دریاب، و بدان کہ صاحب مرگ همان است کہ زندگی را در دست دارد، و آن کہ خالق است ہم‌او میرانندہ است، و فنا‌کنندہ همان است کہ باز می‌گرداند، و آن کہ بہ بلا می‌آزماید ہم‌اوست کہ عافیت می‌بخشد. (نہج‌البلاغہ، نامہ ۳۱)

□ **امام علی(ع):** پس میان را استوار ببندید و زیادت دامن را برای کار درچینید، کہ نتوان ہم آہنگ راسخ [بر کاری خطیر] کرد و ہم بر خوان مہمانی آسودہ نشست. چہ بسیار خواب شبانگاہ کہ تصمیم‌های روز را در ہم شکست و گرد تاریخ فراموشی کہ بر آینہی ہمت‌ها نشست. (نہج‌البلاغہ، خطبہ ۲۴۱)

□ **امام سجاده(ع):** خداوندا ... مرا از هر کاری که پرداختن به آن از تو بازم می‌دارد بی‌نیاز گردان و بر کاری برگمار که در روز بازپسین از من خواهی و روزهای عمر مرا در کاری که مرا برای آن آفریده‌ای مصروف ساز ... و عبادتم را به عجب و غرور تباه مکن و بر دست من کارهای خیر در حق مردم جاری کن. (صحیفه سجاده، دعای ۲۰)

□ **امام حسین(ع):** خداوندا! شوق آخرت را روزیم فرما تا از بی‌رغبتی‌ام به دنیا به صدق آن [شوق] در دلم پی برم. خداوندا! بصیرت در کار آخرت را روزیم فرما تا از سر شوق، در پی خوبی‌ها بر آیم و از سر بیم، از بدی‌ها گریزان شوم، ای پروردگار من. (حکمت‌نامه‌ی امام حسین(ع)، ج ۱، ص ۵۰۷)

□ **امام سجاده(ع):** ... مرا از خود جدامکن و از خویش دور مساز، ای نعیم و بهشتم، و ای دنیا و آخرتم، ای مهربان‌ترین مهربانان. (مناجات خمس‌عشره، نیایش مریدین)

□ **امام حسین(ع):** خداوندا! ستایش از آن توست، ستایشی همیشگی به جاودانی تو [...] و ستایش از آن توست، ستایشی که جز خشنودی تو پاداشی برای گوینده‌اش ندارد. ستایش از آن توست بر بردباری پس از دانایی‌ات، و ستایش از آن توست بر گذشت پس از توانایی‌ات، و ستایش از آن توست ای برانگیزنده‌ی ستایش، و ستایش از آن توست ای وارث ستایش، و ستایش از آن توست ای پدیدآورنده‌ی ستایش، و ستایش از آن توست ای نهایت ستایش، و ستایش از آن توست ای خریدار ستایش ... و ستایش از آن توست ای پاسخ‌دهنده‌ی دعاها، ای بزرگ برکت، ای برون‌آورنده‌ی روشنایی از تاریکی‌ها و ای برون‌آورنده‌ی

فروماندگان در تاریکی به سوی روشنایی. (از دعای عشرات، زبده‌ی مفاتیح‌الجنان، ترجمه‌ی کریم زمانی)

□ **امام حسین (ع)** [در دعای عرفه]: [خداوندا!] نادانی و گستاخیم بر تو مانع نشد که مرا بدانچه به **درگاهت** نزدیک کند راهنمایی کنی و بر آنچه مرا به آستانت نزدیک کند توفیق دهی [...] و این همه زان‌روست که [خواهی] نعمت‌ها و احسانت را بر من کامل کنی.

[...] خداوندا! مرا بدان مقام از خشیت رسان که گویی تو را بینم و به پروای خود، نیک‌بختم فرما. [...] برایم مبارکی و فرخندگی مقرر دار تا دوست نداشته باشم شتاب را در هر چه تو پس اندازی و تأخیر نجویم در هر چه تو پیش آری. خداوندا! بی‌نیازی را در جانم نشان و یقین را در دلم گمار و اخلاص را در کردارم بنه و روشنی را به دیده‌ام ده و بینش را در دینم گذار و به اعضای تنم برخوردارم کن.

[...] خداوندا! اندوهم زدای و زشتیم پوشان و خطایم بخشای و شیطانم بران.

[...] معبودا مرا به کدامین کس واگذاری؟ به خویشاوندی که از من گسلد، یا بیگانه‌ای که بر من روی در هم کشد؟ یا آنان که ناتوانیم خواهند؟ حال آنکه تو پروردگار و صاحب اختیارم هستی. به سوی تو شکایت آرم از بی‌کسی و دوری از وطن.

[...] ای آن که با بردباری‌اش از گناهان بزرگ در گذرد؛ [...] ای آن که به بخشندگی‌اش، دهش فراوان دهد؛ ای برگ و نوای من به گاه افتادیم به سختی‌ها؛ و ای همدم من در تنهایی‌ام.

[...] تویی پناه من آنگاه که راه‌های وسیع با همه‌ی وسعت خود مرا خسته و درمانده کنند، و زمین با همه‌ی پهناوری‌اش بر من تنگ نماید؛ و اگر مهر و رحمت

تو نباشد، هر آینه به ورطه‌ی نابودی افتم؛ و تویی درگذرنده از لغزشم؛ و اگر عیبم
نیوشانی از رسوایان خواهم بود.

[...] ای دارنده‌ی احسانی که هرگز گسسته نشود؛ ای فرودآورنده‌ی کاروان برای
رهایی یوسف در هامون بی‌آب و علف و برآورنده‌ی او از چاه و رساننده‌ی او به اوج
جاه از پسِ غلامی؛ ای بازگرداننده‌ی او به یعقوب از پسِ نابینا شدن چشمانش از
اندوه [و گریه بر او]، که او اندوه دل نهان می‌داشت؛ ای گرداننده‌ی آسیب از ایوب
[...]; ای آن که دعای زکریا شنود و یحیی را بدو بخشود و او را بی‌کس و ابتر
نهاد؛ ای آن که یونس را از شکم ماهی برون آورد؛ ای آن که دریا را برای
بنی‌اسرائیل شکافت و آنان را رهانید و فرعون و سپاهیان‌ش را غرق کرد.

ای آن که بادها را از پیش، نوید دهنده به رحمت خویش، فرستد؛ ای آن که در
کیفر بندگان نافرمان خود نشتابد؛ ای آن که جادوگران [فرعونی] را پس از
خیره‌سری و ستیزه‌گری طولانی [از گمراهی] نجات بخشید، و آنان در حالی که
به نعمت خداوند کامروا بودند و رزق او را روزی‌خوار، جز او را می‌پرستیدند و با او
می‌ستیزیدند و برای او شریک و انبازی می‌گزیدند و فرستادگانش را انکار
می‌کردند.

[...] ای آن که سپاسش اندک گویم و مرا نومید نگرداند و خطایم بزرگ است و
رسوایم نکند؛ و مرا به گاه انجام گناه بیند و پرده [آبرویم] ندرد.

[...] ای آن که با من به احسان و نیکی رفتار کند و من با بدی و سرکشی [پاسخش
دهم]؛ ای آن که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آنکه راه سپاسگزاریش شناسم؛
ای آن که به دورانِ ناخوشی‌ام خواندمش و درمانم بخشید، و برهنه بودم بپوشاندم،
و گرسنه بودم سیرم کرد، و تشنه بودم سیرابم نمود، و خوار بودم عزیزم کرد، و

نادان بودم شناختم داد، و تنها بودم جمعیتم بخشید، و آواره بودم به وطنم بازگردانید، و بینوا بودم توانگرم ساخت، و یاری می‌جستم یاری‌ام داد، و توانگر بودم و آن را از من نستانند؛ ولی با همه‌ی این‌ها [سپاس او نگزاردم] و او باز هم بر من نیکی و احسان آورد.

[...] سرورا تویی که منت نهادی؛ تویی که نعمت دادی؛ [...] تویی که کامل گرداندی؛ [...] تویی که پناه دادی؛ تویی که کفایت کردی؛ تویی که ره نمودی؛ تویی که نگه داشتی؛ تویی که پوشاندی؛ تویی که آمرزیدی؛ تویی که [از لغزش‌ها] درگذشتی؛ [...] تویی که یآوری نمودی؛ تویی که توانایی دادی؛ تویی که پیروزی بخشیدی؛ تویی که شفا دادی؛ تویی که عافیت دادی؛ تویی که گرمی داشتی؛ تویی مبارک و برتر.

[...] معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از ستمگرانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از آمرزش‌خواهانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از یکتاپرستانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از بیمناکانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از هراسندگانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از امیدوارانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از مشتاقانم. [...] معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از درخواست‌کنندگانم. معبودی نیست جز تو، پاک و منزّهی تو، همانا من از نیایشگرانم.

[...] خداوند! تو نزدیک‌ترین کسی هستی که بخوانندش و شتابنده‌ترین کس به اجابتی. تو آنی که کریمانه‌تر از هر کس [از گناهان] درگذرد، و بخشنده‌ترین کسی هستی که بخشد و شنواترین کسی که خواهندش. ای بخشاینده در دنیا و آخرت و ای مهربان در هر دو جهان.

[...] ای منتهای آرمان خواستاران مشتاق و نهایت آرزوی امیدواران؛ ای آن که دانش او بر هر چیز احاطه دارد و مهر و عطوفتش همه‌ی عذرخواهان را در بر گرفته است.

[...] خداوندا! در این شب از هر خیری که میان بندگان تقسیم می‌کنی برای ما نصیبی عطا فرما و از هر نوری که بدان خلق را راهنمایی کنی و رحمتی که [بر جهانیان] بگسترانی و برکتی که فرو فرستی و عافیتی که بر بندگان پوشانی و رزق که گسترانی [برای ما بهره‌ای قرار ده،] ای مهربان‌ترین مهربانان. (زبده‌ی مفاتیح‌الجنان، ترجمه کریم زمانی)